

پارس



Parsnameh - No.18 - Dec. 2010

پارس نامه ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی - سال دوم - شماره هجده - آذر ۱۳۸۹ - به همواء ویژه نامه در گذشت اشوزرتشت



کو شم ببر قول فی نغمه چنگ است چشم به بمل رب و کردش جام است
د مجلس ماعظر میا میزند که مارا هر خطه زکیوی تو خوشبوی مشام است

ای با او کر گاشن حباب گذری زنها عرضه ده بر جانان پایام ما
کو نام مازیاد به عسد اچمی بری خود آید آن که یاد نیاری زمام ما

یار من باش که زیب فلت دیزت هر از مرد روی تو و اش چوروین من است
تام اعشق تو تعسلیم خن کفت داد خلق را و زبان محبت تحسین من است

ده روزه هم کر دون افانداست اون نیخی به جای یاران فرصت شماریارا
در حلقة کل دل خوش خواندوش بليل هات الصبح و هتوایا آیه اش کارا

صلاح کار کجا و من خراب کجا بین تفاوت هر کجا بست تماز کجا
دل ز صومعه بگرفت دختر قنابوس کجاست دیرغان شراب ناب کجا

بیح است آن دهان که نیشم ازو نهان موی است آن میان ندانیم آن چه تو
دارم عجب نقص خیالش که چون نفت ازدیده ام که دم بدش کاشرت و شو

سرارادت ما و آستان حضرت دوت که هر چه سر مامی رو دارد است او
نظر دست ندیدم اکچه ازمه و هر نهادم آینه ها دمعت بال خ دست

مانه مردان ریائیسم حریفان نفاق آنکه او عالم سر است بدین حال کو است
فرض ایزد بگذاریم و بکس بد نیزم و انجو کویند روانیست کنیم رواست

نصیحتی کنست یاد کیرو دعل آر که این حدث ز سرط تیست میاد است
غم جهان مخزو پند من بر ازیا که این لطف غفت نم ره روی یاد است

دل غرایی می کند دله ار آگه کنید زینه رایی دوستان جان من و جان شما
کی دهد دست این غرض پارکه همدستان شون خاطر محصور مازف پریشان شما

دوست داشتن و عشق ورزیدن و البته سپاس
و شکر را برای هم و برای طبیعت.

و این همان آموزه هایی است که قرن های پیش
پیامبر مان از آن سخن گفت، از هنجر هستی،
از اشاء، از راستی، از مهر و مهرورزی و ...
پنج دی ماه، سالروز در گذشت آن بزرگ
پیامبر، فرستی است برای مرور دوریاره آموزه هایش
و تلاش بیشتر برای به کار بردن آن در زندگی
کنونی مان.

سپیده اند، سیاهی را اگر با جنگ، اگر با
صلح، اگر با شادی و اگر با به میاره

طلیبده اند، گواهش پیروزی و تماشای سپیده
است در طول تاریخ این سرزمین.
یلدا می آید و در حالی به استقبال شب یلدا
می رویم که این روزها آلو دگی ها، روشانی
روزمان را هم تار کرده است و غباری بر چهره
شهر و کوی مان نشانده، چرا که فراموش
کردیم احترام و حرمت، همیزیست و همراهی،

و با غزلی از حافظ و حمامه ای از شاهنامه
مجلسی آراستند و رزم و بزم و عشق و ... را

با هم مرور کردند، کامی شیرین کردند با
شیرینی، دانه های انا ر و مندوانه و آجیل را
بهانه شب بیداری و گفتن و شفقتن قرار دادند
تا پایان شب میه را نظاره گر باشندو از پی آن
بلندای روز و سپیدی را تجربه کنند.
یلدا می آید و آمدنش گواهی است بر پایان
شب سی سپید است و ایرانیان همیشه به انتظار

یلدا می آید

یلدا می آید و آمدنش گواهی است بر دانایی
و خردورزی پیشینانمان، آنان که میارزه و
تسیلیم نشدن را در جای جای فرهنگ این
سرزمین نهاده بینه کردن، حتی بر طولانی ترین
و سیاهه ترین شب سال. در جنگ با سیاهی
شب یلدا سفره ای آراستند، گردhem آمدند

در چهاردهمین همایش انجمن‌ها و نهادهای زرتشتی عنوان شد: قانون احوال شخصیه زرتشیان بازنگری می‌شود

چهاردهمین همایش انجمن‌ها و
نهادهای زرتشتی روز آذینه ۲۶ آذرماه
در کرمان برگزار شد.

های مربوطه ارسال شود.
کارگروه ورزش نیز از تدوین آئین نامه
انضباطی خبر داد و آنرا ملاک یکپارچگی
جام‌های ورزشی زرتشیان از لحاظ اخلاقی
عنوان کرد. مقرر شد تا این آئین نامه به تمامی
ارگان‌ها ارسال و نظرات آنها گردآوری شود.
سپس کارگروه زنان پیشنهاد تشکیل دیرخانه
در سازمان زنان را مطرح نمود و مقرر شد
تا پیکر برname های مربوط به آسیب‌های
اجتماعی باشند و دستور جلسه آینده نیز،
تعیین آزمایش‌های لازم و تکمیلی قبل از
ازدواج، روش‌های مشاوره قبیل و بعد از
ازدواج و نیاز به ارائه گواهی آن در هنگام
ثبت ازدواج عنوان شد.
مقرر شد اولین کارگروه مددکاری با حضور
نماینده ایرانیان زرتشتی وبا دستور هماینگی
مددکاری در جامعه زرتشیان تشکیل گردد.
کارگروه رسانه ووقف نیز به علت تشکیل
نشدن جلسه گزارشی ارائه ندادند.
کمیته فنی زیارتگاه‌ها و مکان‌های فرهنگی
زرتشیان در ادامه این نشست از راه اندازی دفتر
مشخص و مقرر شد تا مصوبه آن به وزارت خانه

اعلام همکاری افراد متخصص سخن گفت.
سپس اعلام شد که بودجه ۶۲ میلیون تومانی و
۸۳۰ دلار باقیمانده از سازمان مرکزی زرتشیان
در اختیار این کمیته قرار گرفته است.
در ادامه گروه ورزشی و هرام و اتفاق
بازرگانی زرتشیان گزارشی از فعالیت‌های
خود را رائه دادند و مقرر شد تا کلیه انجمن‌ها
وارگان‌ها جهت برگزاری هرجه بهتر برنامه‌های
آنها همکاری‌های لازم را داشته باشند.
صحبت پیرامون شرکت تعاوونی مسکن زرتشیان
نیز از دیگر موارد عنوان شده در این نشست بود
که ضمن انتقاد نسبت به فعالیت شرکت تعاوونی
مسکن انجمن زرتشیان تهران حاضرین خواستار
شفاف عمل کردن این ارگان شدند. ضمناً مقرر
شد تا نهادها نسبت به ثبت نام همکیشان در
مسکن مهر اطلاع رسانی کنند.

فرآخوان پروژه‌های بازسازی میراث فرهنگی منتشر می‌شود

هموند کمیته شوند دعوت به همکاری شود.
کمیته فنی زیارتگاه‌ها، هم اکنون به طور
موقع شنبه، دو شنبه و چهارشنبه هر هفته
در دفتر کار نماینده ایرانیان زرتشتی حاضر
خواهند بود و به درخواست انجمن‌ها و
متضایران پاسخ می‌دهند.
بنابر این گزارش در ماه اخیر، اختصاص ۳
میلیون تومان به انجمن زرتشیان مریم آباد،
برای بازسازی نارستانه از تصمیمات این کمیته
بوده است. در صورت امکان تامین بودجه در
دستور کار کمیته قرار خواهد گرفت. علاوه
به تایید کمیته فنی رسیده است و هزینه‌های آنرا
انجمن اهرستان پرداخت می‌کنند.
دانشجویان از همکیشان علاقمند به روانه
برنامه‌های این روز را آفرینشگان خوانی
در تالار خسروی از ۸:۳۰ بامداد و در
ادامه باشندگی در آرامگاه قصر فیروزه
اعلام گرد. این آینه از ساعت ۱۱
صبح در آرامگاه آغاز می‌شود.
انجمن زرتشیان برای رفت و آمد سرویس
هایی را از یوسف آباد، میدان سلماس،
میدان سنایی، رستم باغ، عباس آباد زیر پل
نیلوفر و آدریان تهران به مقصد آرامگاه
قصر فیروزه در نظر گرفته است. همچنین در
این فرآخوان از همکیشان علاقمند به یاری
خواسته شده است تا کمک‌های نقدی خود
را تا ۴ دی ماه به دیرپایانه تحويل دهند.
همکیشانی هم که بنا دارند تا در برپایی بهتر
این آینه یاری کنند می‌توانند ۳ و ۴ دی
ماه از ساعت ۹:۳۰ بامداد در آدریان حضور
داشته باشند. انجمن زرتشیان تهران تا سقف
۱۲ میلیون تومان را برای برگزاری این آینه
در نظر گرفته است.
انجمن‌های سایر شهرهای زرتشتی نشین هم
برنامه‌هایی را تدارک دیده اند که حضور
در آرامگاه‌ها از جمله آن برنامه هاست.

انجمن زرتشیان تهران:

زمین‌های رحمت آباد یزد به فروش می‌رسد

در این راستا، انجمن تهران با توجه به موضوع،
تصمیم بر تشكیل مجمع عمومی و فروش قطعاتی
از این زمین‌ها که یکپارچه نیست، گرفت. بنابر
اعلام نظر هیات مدیره در آمد حاصل از فروش
این زمین‌ها صرف موارد آموزشی می‌شود.
دیگر مصوبه هیات مدیره انجمن تهران، اقامه
دعوی نسبت به وزارت تعاون بود. بر پایه
این تصمیم انجمن زرتشیان تهران، موضوع
ساختمان متعلق به روانشاد اسفندیار فرجاد که هم
اکنون در اختیار وزارت تعاون است را از طریق
دادگاه پیگیری می‌کند.

آذرگان، جشن آتش گرامی داشته شد

دیگر محله‌ای که آذرگان را گرامی داشت
نرسی آباد بود. نرسی آباد و کستونیه همراه با
برگزاری جشن آذرگان از دانش آموزان برتر،
نوادشجویان و روزشکاران و شرکت کنندگان
در مانتره دو محله نرسی آباد و کستونیه قدردانی
کردند. اجرای نمایش و نیایش از جمله برنامه
های این روز بود. در مهد کودک کوروش یزد
نیز جشن آذرگان با حضور نماینده، گروهی
از فرنشیان انجمن‌ها و خانواده‌های کودکان
بود گرامی داشته شد. زرتشیان در یزد هر ماه
روز آذر در پیرمراد گردهم می‌ایند. در جشن
آذرگان نیز با گاهانبار خوانی در پیرمراد این
جشن گرامی داشته شد.

جشن آذرگان در شهرهای زرتشتی نشین
جشن گرفته شد.
جشن آذرگان در تهران در دو بخش جداگانه
و دو روز متفاوت گرامی داشته شد. انجمن
موبدان تهران روز آذرگان، ۳ آذرماه، در
آذرگان را گرامی داشتند. انجمن موبدان روز
۱۱ آذرماه را نیز با همکاری انجمن زرتشیان
تهران در دستان گیو، بخش شاد جشن را
برگزار کردند. خوانند آتش نیایش با معنای آن
و در ادامه هنرمنایی کودکان مهدهای پروژه
با اوستاخوانی برگزار شد و در ادامه موبد
و فرنشیان انجمن اهرستان سخنرانی کردند.
برنامه‌های این جشن بود. نوجوانان کرجی نیز

برگزاری نخستین گردهمایی جوانان
نخستین گردهمایی جوانان زرتشتی ایران در
روزهای ۲۹ بهمن تا ۲ اسفند ماه به میزبانی انجمن
یانش و ران مانتره و همکاری انجمن‌ها و نهادهای
زرتشتی برگزار می‌شود.
این گردهمایی که در یزد و در پردیس دانش مارکار
برگزار خواهد شد دارای ظرفیت محدود بوده و
علاوه‌مندان از ۷ تا ۱۲۵ دی ماه باید با مراجعت به سایت
www.izymir نام توییست کنند. هدف از این گردهمایی،
گفت و گوپرامون مسائل و مشکلات مشترک است.

برگزاری کلاس‌های کمک‌های اولیه
کمک‌های اولیه در پردیس دانش مارکار
بیزد آموزش داده می‌شود. با هماینگی انجمن
یانش و ران مانتره و هلال احمر استان یزد،
کلاس‌های آموزش کمک‌های اولیه در ۳
روز هفته، از شنبه ۲۰ آذرماه، در پردیس دانش
مارکار برگزار می‌شود. پس از ۳۵ ساعت
آموزش، شرکت کنندگان گواهی شرکت در
این دوره‌ها را از هلال احمر دریافت می‌کنند.

برگزاری همایش پزشکان و پیراپزشکان
ذرتشتی یزد
نخستین همایش پزشکان و پیراپزشکان زرتشتی
بیزد، ۱۰ دیماه در سازمان و باشگاه جوانان
زرتشتی بیزد برگزار می‌شود. هدف از برگزاری
این همایش آشنازی پیشتر جامعه پزشکی و
پزشکان و فعالیت‌های آنان برای برنامه ریزی‌های
بهتر در مواردی چون زایشگاه بهمن است.

آغاز دوره جدید کلاس‌های رایانه
دوره‌جدید کلاس‌های ویژه‌بزرگسالان در دیرستان
فیروزه‌بهرام برگزار می‌شود.
این کلاس‌ها از ۱۲ دی ماه آغاز خواهد شد و تا
پایان اسفلتماء ادامه دارد. این کلاس‌ها یکشنبه
هزار از ساعت ۱۳ تا ۱۴:۳۰ تا ۱۵:۰۰ شکل و در آن از آغاز
راه اندازی یک سیستم رایانه‌ای تا استفاده از
اینترنت و ایمیل آموزش داده می‌شود. علاوه
مندان تا ۹ دی ماه می‌شود. این کلاس‌ها
نام نویسی کنند.

مجوز‌نهايی موزه تاریخ و فرهنگ زرتشتی
مجوز‌نهايی موزه تاریخ و فرهنگ زرتشتی
صادر شد. با مطالعه پایه و گزگارش کامل طرح
توجهی موزه خصوصی «تاریخ و فرهنگ
زرتشتیان» مجوز‌نهايی آن را ایجاد شد. قرار
است این موزه که یک سیستم رایانه‌ای تا استفاده از
متعلق به زرتشیان است در پردیس دانش
مارکار بیزد برای بازدید تمام ایران دوستان
راه اندازی می‌شود. این موزه و هیات امنای
آن کمک اعضاي هیات امنای پردیس دانش
مارکار بیزد هستند.

بررسی مشکلات بنیاد پرویز شهریاری
مشکلات راه اندازی بنیاد پرویز شهریاری بررسی
شد. باشندگی‌گدیر اسفندیار اختیاری در متر
دکتر پرویز شهریاری، ریاضیان زرتشتی،
مشکلات راه اندازی بنیاد فرهنگی جمیش
بررسی شد و راهکارهای قانونی تاسیس آن
مروز شد. بنیاد پرویز شهریاری، بنیادی است که
با دارایی‌های استاد شهریاری، از جمله کتابخانه
شخصی وی قرار است آغاز به کار کند.

انتشار کتاب کاریکلما تور و آن روی
سکه ضرب المثل ها
دومین کتاب مهین باتو نورافروز، با نام
کاریکلما تور و آن روی سکه ضرب المثل ها،
نشر شد.

در شماره گلشته پارس نامه شادروان «دستور
خداداد نیروسنگی» به اشتباه موبدیار عنوان شده
بود که بدین وسیله اصلاح می‌شود.

تارنامای برپا شده، به مناسبت صدمین شعر منتشر شده هفتگی خود، ۲۰ دی ماه در تالار کانون دانشجویان زرتشتی شب شعری را برگزار می کند.

انتخاب فرنشنین جدید اتفاق بازرگانی
قیاد بادی، فرنشنین اتفاق بازرگانی شد. قیاد بس از استفای شهمر جیوه، از سوی هموندان موسسه جهانی پیشه و روان زرتشت به عنوان فرنشنین اتفاق بازرگانی انتخاب شد.

سال گسترش زبان دری

سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دستان جمشیدجم
به عنوان سال گسترش زبان دری معرفی شد.
بنابر این طرح که با استقبال خانواده ها مواجه شده است دانش آموزان در مرحله نخست کلاس های دینی ملزم شدند تا به دری صحبت کنند و برای درک بهتر، آموزگار دینی نیز توضیحاتی را به زبان فارسی برای دانش آموزان خواهد داد. در مرحله های بعدی کلاس های ویژه خانواده ها نیز برگزار خواهد شد.

بررسی مشکلات دستان گیو

مشکلات دستان گیو با حضور نماینده ایرانیان زرتشتی و فرنشنین و دبیر انجمن زرتشتیان تهران بررسی شد. در یک نشست مشترک که مدیر، هموندان انجمن اولیا و مربیان و نماینده معلمان در آن حضور داشتند، یکی از مشکلات مدرسه بازنیشت شدن دو تن از معلمان عنوان شد. برگزاری کلاس بازآموزی برای معلمان جدید و در ادامه جایگزین کردن آنان به عنوان راهکار پیشنهاد شد.

کلاس خلاقیت برای باشندگی

پرونگ در همایش علمی کلاس های خلاقیت و ایده های برتر، از آذرماه آغاز شده است. در این کلاس ها که به استادی دکتر اسفندیار اختیاری برای راهنمایی و کمک به علاقه مندان برگزار می شود، مباحثی همچون مراحل رسیدن به یک ایده نو و تازه، تاثیله شده از اختراع بررسی می شود. تا کنون ۲ نشست از این کلاس ها تشکیل شده است و نشست آینده ۳ دی ماه در تالار لعل نوذر جمشید خواهد بود. امسال نیز سومین نمایشگاه ایده های برتر و ابداعات و اختراعات همزمان با برگزاری همایش علمی برگزار می شود. در کنار برگزاری این همایش، صنعتگران زرتشتی نیز معرفی می شوند.

آغاز کلاس های کروزبان انگلیسی

نخستین جلسات کلاس های گروه کروزبان از ۱۷ آذرماه آغاز شد. گروه کروز کانون دانشجویان زرتشتی، به عنوان یکی از قدیمی ترین گروه های کرززنشتی زیر نظر پژمان ساسانپور کار خود را آغاز کرد. کلاس های زبان کانون دانشجویان نیز با هدف آماده سازی شرکت کنندگان برای کنگره کانادا در دو سطح آغاز شد. در این کلاس ها که به زمین مسابقات را ترک کرد و سبب شد تا از دور مسابقات حذف شود. البته پس از این اتفاق، فرشید اخوی جو، مسئول جام رستم با حضور در کوچه بیوک این واقعه را بررسی کرد و بازیگران به گفتگو نشست.

مقام های دوم و سوم این بازی ها را ارزش و آناید به دست آوردند. در رده نوجوانان این دوره از بازی ها نیز، متنخ، اندیشه رحمت آباد و رستم نرسی آباد توanstند مقام های اول را سوم را به دست بیارند. مکالمه آموزش داده می شوند.

انتخابات انجمن ها

پسین ۵ دی ماه، همکیشان بالای ۱۸ سال ساکن قاسم آباد و شهرک دانشگاه برای انتخاب ۷ نفر عضو هیات مدیره و یک نفر بازرس در تالار گوهر گردهم می آیند. با پایان یافتن گردش ۱۹ انجمن زرتشتیان کوچه بیوک، هیات نظارت بر انتخابات گردش ۲۰ این نام نامزدهای انتخابات گردش ۱۷ انجمن زرتشتیان در رده پیشکسوتان، یاران بهروز مبارکه نخست شد و مزدیستا خرمشاه و اندیشه رحمت آباد، مقام های دوم و سوم را به دست آوردند.

هماهنگی تخصصی میان انجمن های نیازمند کارگروه است

استعدادهای درخشان اعلام کنیم. وی از کارگروه دینی گفت که بالاخره بعد از دو سال در این مورد توفيقاتی انجام گرفته است. الگو برداری از کیخسرو شاهرخ نیز در این نشست مطرح شد. در این باره نماینده فعلی زرتشتیان در مجلس تاکید کرد ما باید از اریاب کیخسرو شاهرخ نکات زیادی را بیاموزیم و به جای اینکه نماینده خود را فهرمان کند باید حاکمیت اول باشد همانگونه که اریاب کیخسرو شاهرخ این کار را انجام داد و جانش را نیز از دست داد.

انجمن موبدان کتاب گاتها را به طور ویژه و در جایگاه شایسته آن معرفی می‌نماید.

وی تاکید کرد نماینده گان زرتشتی نباید سیاسی باشند بلکه همچون اریاب کیخسرو شاهرخ که مورد اطمینان همه جریان های سیاسی زمان خود بود و از مدیران برجسته کشور شناخته می شده عمل کنند. وی در ادامه کیخسرو شاهرخ را یک استاد دانست که باید راهش را شناخت و ادامه داد. دکتر اختیاری از اهمیت ارتباط با پرون جامعه گفت و در درون جامعه نیز بر عدم دخالت در کار انجمن ها، پاسخگو بودن به افراد، وکیل عموم مردم بودن و بازگرداندن آرامش به جامعه بعد از بحران های سیاسی را وظیفه نماینده زرتشتیان تاکید کرد.

پروانه ساخت آدریان بزرگ گرفته می شود



کوشش کرده اند و نیز افراد یاری دهنده برای انتقال آب تشكیر و قدردانی شد. پس از این کار ایجاد زمین های چمن مصنوعی آدریان به پایان رسیده بود.

هم اکنون با رو به اتمام بودن ساخت زمین های بسکتبال آدریان و آماده استفاده شدن از آنها، هیات امنی آدریان تصمیم گرفته است تا هیاتی ۵ نفره شامل نماینده کمیسیون جوانان انجمن، نماینده هیات امنا، نماینده ورزشکاران آدریان، نماینده از بانوان ورزشکار و فردی تحصیل شود و پیش نویس این آینین نامه را برای تصویب نهایی به هیات امنا ارائه دهنده.

رقبات های نوین ورزشی

در کرمان رقبات های ورزشی نوینی برگزار شد. این رقبات ها که در باشگاه اردشیر همتی برگزار شد، شرکت کنندگان به ۸ گروه با نام هایی چون کفگیر، سفتو، قدر و... تقسیم شدند تا در بازی های هفت گانه صندلی بازی، طناب کشی، پرتاپ آزاد توپ بسکتبال، پیاده روى، دو اندادی و دو سه پا شرکت کنند که در نهایت گروه قدر اول، کمامجون دوم و کفگیر به سومی این مسابقات رسیده.

فراخوان جام و همن

انجمن یانش وران مانتره برای حضور تیم های زرتشتی خارج از کشور در ده مین دوره بازی های جام و همن، فراخوانی به زبان انگلیسی منتشر کرد. جام بهمن از ۱۵ تا ۱۶ بهمن ماه در یزد برگزار می شود. تیم های خارجی شرکت کنندگان در این جام در حاشیه این رقبات ها، به بازدید از اماکن تاریخی زرتشتی خواهند پرداخت.

ادامه رقابت ها در جام سده

در شیراز رقابت های جام سده ادامه دارد.

با ادامه رقابت ها، تیم دانشجویان قهرمان رشته والیبال جام سده شد و یاران آرمنی و روانشاد رامین شهرت نیز در جایگاه های بعدی قرار گرفتند. فوتیبال گل کوچک جام سده نیز با قهرمانی یاران آرمنی در رده آقایان و پویا پویان در رده بانوان پایان یافت.

با به پایان یافتن بازی ها، رقابت های تخته نرد از آذینه ۱۲ آذرماه آغاز شد و نام نویسی رشته های تنبیس روی میز، دارت و شطرنج پایان یافت.

علاوه بر این کمیته فنی مسابقات قصد دارد برای نخستین بار رقابت های بازی های رایانه ای را نیز به جام سده اضافه کند. خبر ورزشی دیگر از شیراز قهرمانی تیم منتخب شیراز در مسابقات دسته بیک بانوان فارس بود. در این تیم، والیالیست زرتشتی ساناز گشتنسبی، عضو است.

هم زمان با برگزاری همایش انجمن های زرتشتی سراسر کشور در کرمان، دکتر اسفندیار اختیاری از سوی زرتشتیان نیازمند داد تا انجمن موبدان به حمایت و مفکری از کیخسرو شاهرخ نیز در این آنکه نماینده فعلی کاتها را در جایگاه شایسته آن معرفی نماید.

توضیح در مورد اصل ۸۸۱ مکرر قانون مدنی، پرسش مطرح شده دیگر این نشست بود. نماینده زرتشتیان در مجلس هشتم، از وضعیت فعلی و تلاش های صورت گرفته برای اصلاح این اصل سخن گفت.

احوال شخصی نیز پرسش دیگری بود که مطرح شد. دکتر اختیاری با اشاره به تاریخچه بازنگری آن در سال های گذشته برخی بند های آن را نیازمند بازنگری دانست.

مشکلات استخدام زرتشتیان و مدیر شدن آنان در بخش های گوناگون پرسشی بود که از سوی باشندگان مطرح شد.

دکتر اختیاری با اشاره به نشست نماینده زرتشتیان با کمیسیون امنیت ملی مجلس پرای حل شدن گرفته برای استخدام زرتشتیان به این سخن گفت.

استخدام اخیر آموزش و پروش سخن گفت.

طرح نشدن پرسش دینی زرتشتی در آزمون انتدادهای درخشان پرسش دیگر همکیشان بود. همکیشی این پرسش را مطرح کرد که چرا وندیداد باستی در کنار گاتها

در نشستی هیات امنی آدریان بزرگ مصوب کرد که پروانه ساختمان آدریان بزرگ گرفته شود و پس از تامین بودجه، فاز اول ساخت آن آغاز شود.

بنابر این گزارش، این تصمیم در پی آن گرفته شد که فضا برای اجرای فاز اول نیز هم اکنون آماده است.

بر این اساس، پس از چند دهه با پیگیری های انجام شده، چهارشنبه ۳ آذرماه آدریان بزرگ از اینده در تالار لعل نوذر جمشید خواهد بود. ابداعات و اختراعات همزمان با برگزاری همایش علمی برگزار می شود. در کنار برگزاری این همایش، صنعتگران زرتشتی نیز معرفی می شوند.

بنابر این گزارش، این تصمیم در پی آن گرفته شد که فضا برای اجرای فاز اول نیز هم اکنون آماده است.

بر این اساس، پس از چند دهه با پیگیری های انجام شده، چهارشنبه ۳ آذرماه آدریان بزرگ از دور مسابقات را ترک کرد و سبب شد تا سینتا کوچه بیوک، با اعتراض به داوری زمین مسابقات را حذف شود. البته پس از این اتفاق، فرشید اخوی جو، مسئول جام رستم با حضور در کوچه بیوک این واقعه را بررسی کرد و بازیگران به گفتگو نشست.

مقام های دوم و سوم این بازی های را انتخاب کردند. گروه کروز زرتشتی زیر نظر پژمان ساسانپور کار خود را آغاز کرد. کلاس های زبان کانون دانشجویان نیز با هدف آماده سازی شرکت کنندگان برای کنگره کانادا در دو سطح آغاز شد. در این کلاس ها که به صورت ترمی است زبان ایلیسا کنگره کانادا مکالمه آموزش داده می شوند.

یلدا، گذر از زمستان تا رسیدن به بهار

سینما دینیاریان

پس گردهم آیم و از بزرگانمان بشنویم و با هم حرف‌ها بزنیم. داستانی از شاهنامه بخوانیم و به آرزویی غزلی از حافظ بگشاییم. طعم تابستانی هندوانه و ترش و شیرین یاقوت انار را بچشیم و به پیشواز نته سرما برؤیم که با بقچه‌ای پر از برف و باد و باران از راهی رسد. در این سرزمین سرور، شب بیداری یلد، بهانه‌ی شادمان است.

به رسم همیشگی مان، یا عزیزانمان هم سفره‌ی این شادی شبانه می‌شویم. دست هایمان را تا میان ستارگان می‌بریم و برابر آینه‌مان می‌خوانیمش و سپاسش می‌گوییم از برای این همه زیبایی که ما را از ازانی داشته‌ایم. یلدا تا یلدا شمردن خوشتنی هایمان را از سر می‌گیریم به شوق آنکه شکر اجابت‌ش را به جا آریم.

سرخ و زرد خزان را به مهر آغاز نمودیم، به
زلال و روشنای آبان رسیدیم به فروغ آذر.
حالا با سرور شبانه یلدا می رویم تا از دلان
سرد و سپید زمستان برسیم به جوانه و شکوفه.
یلداء، محمول شب پرستاره است و خورشید
دیرتر ک خیمه مهتاب را برمی کشد. یلدا
نیز بهانه دیگری است برای سفره شادمانی
گستردن و هم نشینی با بزرگان.



عکس از: بهرام یزدانی

چشم شپ چله (پلدا)

الكتابات

زمین است زیرا تاریکی و سرما در اوج خود است. پس آیا نمی توان پذیرفت که جشن شب یلدا بزمی برای همراهانی این ایزد بوده و از این روست که ما در این شب میوه بر شفته چیده و گاه میوه های خشک می گذاریم که بهار و تابستانی پربار را در پی سرمای زمستان و با امید به پیروزی ایزد ریپهون خواستار شویم؟

بدین ترتیب بعد فلسفی و چرا بی جشن شب چله مشخص می گردد. اما بعد نمادین و آیینی این جشن چگونه است؟

چنانچه گفته شد ایرانیان در این شب میوه هایی چون هندوانه و انار را که دارای رنگ سرخ هستند و گاه حتی آشی به نام آش انار را تهیه

می کنند. به جز میوه گاهی آجیل، شیرینی و شربت نیز در خوراکی های شب چله وجود دارد و میهمانان شب چله، تا پاسی از شب همه دور هم می نشینند و گاهی مادر بزرگ داستان های شیرین روز گاران گذشته را برای بچه ها تعریف می کند و پدر بزرگ یا سالخورده دیگری بخش هایی از داستان های شاهنامه فردوسی را می خواند. (نیکنام ۹۸-۱۳۸۲)

اعضای خانواده تمام شب را در کانون خانواده که آتش اسطوره‌ای سپنیشته در آن جای دارد و نماد گرمای خانواده است می‌گذرانند و شب بلند یلدا را به امید یامدادی که در آن خورشید دویاره زاده می‌شود به صحیح می‌رسانند و این بار دیگر نگاهی موشکافانه به روشن بینی و خردورزی ایرانیان پاک دامن است که کانون خانواده را تا بدین پایه ارزشمند می‌دانستند که یکی از آتش‌های مینیو خود را در دل خانواده می‌دیدند و بنابراین در این شب که باید تمام نورها و آتش‌ها نیروگیرند و به نبرد با تاریکی برخیزند باید این آتش نیز تقویت شود و چه باوری نیکوتر و شایسته‌تر از این که در ازترین شب سال را در کنار همه افراد خانواده از بزرگ و کوچک و پیر و جوان بگذرانیم تا هیچگاه این گرمای آتش را به خاموشی نگراید و افسوس که با برگزاری مراسمی هم زمان با این جشن و با نام همین جشن بزرگترین ضریبه را به این باور بنیادین وارد می‌کنیم!

پاری نامه ها:
 آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). زبان، فرهنگ، اسطوره. تهران: انتشارات معین.
 دوشن گیمن، ژ (۱۳۷۸). اورمزد و اهریمن. ترجمه عباس باقری. تهران: نشر فرزان.
 رضی، هاشم (۱۳۸۳). جشن های آتش. تهران: انتشارات بهجت.

به تدریج بلندتر شده و خور (خورشید) نیز بیشتر در آسمان خواهد درخت خشید و این روز را به خاطر نقش مهم نور و روشنایی و گرما در زندگی خود جشن گرفته و روز زایش خورشید یعنی یلدآ می خوانند.

بیرونی، همچنین در آثار الباقی آورده است که روز پس از شب یلدآ به نام خور خوانده می شاده که دلیل دیگری بر آکاهی مردمان از زایش دوباره خورشید بوده است. (رضی ۱۳۸۳: ۷۴) ایرانیان همچنین ارتباطی تنگاتنگ میان خورشید و ایزد مهر که از ایزدان بزرگ ام انان است مم دانستند.

«[مهر] خنستین ایزد مینوی [است]» که پیش از دمیدن خورشید جاودانه تیز اسب بر فراز کوه البرز برآید، خنستین کسی که آراسته به زیورهای زرین از فراز آن کوه زیار سر برآورد، از آنجا است که آن مهر بسیار توانایه خانمان های ایرانی بگرد.»
و از اینچگاست که این روز روز زایش مهر نیز می دانند و شاید چون بنا بر اسطوره ها معتقد بودند که مهر پیش از خورشید در آسمان است و پس از رفتن خورشید نیز در آسمان می ماند و در این هنگامه ها رنگ سرخی بر دامن آسمان پاشیده می شود، رنگ سرخ سبلی از این ایزد گشته است و چنین است که ما در جشن یلدا سفره های خود را به میوه هایی به رنگ سرخ می آراییم: سیب سرخ، انار و هندوانه.

آتش و خورشید به عنوان ابزار ایجاد گرما و نجات از تاریکی و حیوانات وحشی هستند و در ذات خود نیز دارای ارزش والایی در ذهن مردمان مهاجر هند و اروپایی بوده اند. به موجب ودا، جشن های سال نو مربوط به آغاز مجدد فعالیت آتش (خورشید) به هنگام انقلاب زمستانی بوده که آغاز مجددی بود تا پس از یک دوره فترت، یک نوع بین الاهلایین، رخ دهد و مردم با ادای اهایی آن را تقلید می کردند. (دوشنبه گیمن ۱۳۷۸-۴۶)

هنگام تغییر [گاهشمار ایران باستان] به گاهشمار زرتشتی که احتمالاً در زمان اردشیر اول، حدود ۴۴۱ قم، صورت گرفته توالي ماه ها به همانگونه حفظ شده است. ماه آخر سال [ماه نهم گاهشمار برابر آذرماه] در هر دو گاهشمار، آتر «آتش» است و احتمال دارد که ماه نخست [ماه دهم گاهشمار برابر دی ماه] هم معنای خود را به طور کامل حفظ کرده باشد زیرا این ماه که در فهرست زرتشتی به دثوش Dathush

شبی چون شبه روی شسته به قیر
نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر
سپاه شب تیره بر دشت و راغ
یکی فرش گسترده از پر زاغ
نموده ز هر سو به چهر اهرمن
چو مار سیه باز کرد دهن
شب چله یا یلدا که بلندی آن و پیروزی نور
در بامداد پس از آن جوهری برای اشعار
شاعران ایران زمین بوده است بهانه ای به
دست عاشقان و حتی فردوسی بزرگ می دهد
تا در کنار یار مهریان و ماه روی، بزمی شبانه را
برای پیروزی نور بر اهربین تاریکی برپا کند
و داستانی از داستان های پیروزی های
ایرانیان را از دهان آن سروین بشنود و
باز سرس ابد:

می آورد و نار و ترنج و بهی
زوده یک جام شاهنشهی
پیمای می تا یکی داستان
ز دفتر بر خوانم از بستان
بدان سروین گفتم ای ماه روی
مرا امشب این داستان باز گوی
و این فرهنگ همچنان پایر جاست و عجب
آنکه این جشن در میان جشنهای ملی سرزمین
ما تنها جشنی است که همچنان پس از نوروز
 عمومیت خود را با همان شور و زیبایی که
شایسته یک جشن ملی ایرانی است نگاه داشته

هر جشن یا به عبارتی بیشتر در ایران باستان دارای دو بعد فلسفی و نمادین بوده است بعد فلسفی بیشتر به زمان و دلیل جشن و بعد نمادین به آینین ها و مراسم رایج در جشن ها مربوط می باشد و چنانچه بر همکان نیز آشکار است جشن شب چله یا یلداییکی از آین جشن ها است. این جشن را شب چله می نامیدند زیرا معتقد بودند سرمای زمستان که بزرگترین دشمن کشاورزان و دامپروران بوده از این زمان تا ۴۰ روز رو به افزایش است و سپس در چهلمین شب این سرما بار دیگر کاهش می یابد و جشن سده یا چله کوچک شروعی برای چهل روز دیگری است که در آن زمستان با سرما و شباهی سردش رو به پیان ممکن است.

اشاره ابوریحان بیرونی به اینکه این جشن را «نوروز» هم می خوانند دلالتی است بر این امر که نود روز میان این جشن تا نوروز فاصله است و ارتباط این جشن را با دوره زمستانی که برای کشاورزان و دامپروران دارای اهمیت بوده نشان می دهد. (رضی ۱۳۸۳: ۷۶) همچنین یلدا نیز لغتی سریانی در معنای زایش است زیرا مردمان دوران باستان در ریافتہ بودند که بلندترین شب در طول سال شب اول زمستان است اما بلافصله پس از آن روزها

دانستان های خورشید بانو (۱)

فرانک مهر بانی

از این شماره روایت های داستانی خورشید بانو از زندگی را می خوانیم. داستان هایی که هر بار اشاراتی به برخی جنبه های فرهنگی - اجتماعی جامعه زرتشتی را در متن داستانش جا می دهد. این بخش آغازین این مجموعه داستان است تا بدانیم که خورشید بانوی داستان ما از چه خانواده ای است و کجا خانه دارد.

یک ستاره هنوز در آسمان مانده بود. وقتی سرش را بالا آورد ستاره داشت رنگ می باخت و جای آسمان لاجوردی را آسمان آبی روش می گرفت. بوی عطر کاه گل همه جا پر بود. قطرات اشک امانش را بریده بود. سرش را روی دست هایش گذاشت بود و به دیوار تکیه زده بود که میادا پر مکنای قشکش خاکی شود. تعریباً تمام شب را بیدار مانده بود. زن های همسایه و بقیه خانم های ده چرا که اصرار کرد بودند که کمکش باشند قبول نکردند، هر چند می دانست همه کار دارند و عبارت «برای کمک اگه خواستی مامی آییم» فقط یک تعارف صمیمانه است.

وقتی آینه سنگی را از روی طاقچه برداشت تا خودش را با آن مکنای گل آبی و صورتی تماساً کند، حس غیری در چشم هایش بود، شاید از آینه می خواست که کاش الان می شد که او شاد باشد و مادر و سایل سال نو را آماده کند و او هم با مکنای آبی گل گلی و دامن پیای دار و شوال نو چرخ بزند و چرخ بزند تا دنیا با او بچرخد و او بخندد و بعد هم روی زیل در سایه آفتاب با مادر بشنیدن و مادر از فالوده خوشمزه با عطر گلاب و شیره و بخ در کاسه چینی گل سرخی برایش بزید و به دستش بدھد. انگار خنکی خیال فالوده شیرین را داشت با همه وجودش حس می کرد، چون برای چند ثانیه لب هایش به خندنه واشد، اما طولی نکشید که لبخندش محو شد و از شیرینی و خنکی آن خیال به غم شرگشت، آخر او شانزده سال بیشتر نداشت.

قطره اشکی افتاد روی مکنایش، حتی دیگر پروای پاک کردنش را هم نداشت.

صدایی آمد:

- آی! خورشید بانو!

خورشید بانو خودش را جمع کرد و با پشت دست اشک هایش را خوب پاک کرد و دماغش را بالا کشید، روسربی سفیدش را روی مکان مرتب کرد و در دلش گفت:

- چه زود اومدن!

نگاهش روی آجر چین دوید و تا بالای بام رسید. آهي کشید و با صدای بلند گفت:

- من اینجام ... کیه؟

- منم. گل همسایه، خورشید بانو کجایی؟ اینجام ... وسط خیاط ... بفرمای!

صدایی پای گل همسایه را که با هیکل فریه اش دمپایی هایش را زمین می کشید خوب می شناخت ای خورشید بانو با بعض چشم هایش را بست، اشک تمام چشمانش را پر کرد، اما نگذشت از زیر موژه های بلند و مشکی اش بیرون بیاید، بغضش را قورت داد و منتظر رسیدن گل نشست. فاصله بین در خانه تا حیاط (کیچه) خیلی نبود گل همسایه داشت بلند بلند حرف می زد، تاریکی بلند شدم و هنوز به زمین نشستم ... دست تنها همه کاری کردی دختر! دلم برات بترك!

پشت سر گل همسایه کسی نیامد. یعنی کس دیگری نمی خواست بیاید! خورشید بانو نگاه پرسشگر خودش را سمت گل برگرداند و پرسید:

گوی و چفته

شیرین خوبچهر

این روزها بازی های کامپیوتوری جایگزین بازی ها و ورزش های محلی شده اند و بچه ها ساعت های بسیاری را پای کامپیوتور می نشینند و بازی می کنند، آن هم بازی هایی که بخش اعظم آنها خشونت است و ...

در حالی که در زمانی نه چندان دور در هر جای این سوزمین، بازی ها و ورزش های محلی ساخت ها وقت فراغت کودکان و نوجوانان و حتی خانواده ها را پر می کرد. بنابرایم از این پس به معروفی برخی از این بازی ها و ورزش های محلی پردازیم. این نوشتار به یاد توانایی های زنده یاد کیخسرو خدابخش خوبچهر بافندۀ زبردست و زنده قدر تمند و پیشکسوت در بازی های گوی و چفته در محله دستوران بزده و همسرمهه باشان روانشاد هماییون اردشیر ویسپر تهیه شده است.

با سپاس از بانوی گرامی گلباشی خوبچهر که ما را در این نوشتار یاری نمودند.

نیم متر یا کمی بیشتر) باید از نو و محکم از اول پیچیده می شد.

سپس به صورت دوختن معمولی با کوک های سیار بلند تمام راویه آن اطاوری می دوختند که لبه نوار ها دوخته شود.

نوع دوم به گویش بومی، چیدن یا یافتن است.

طرز یافتن اینگونه است که اول به آخرین نوار گوی را با سوزن می دوزند و سپس با نخ های ابریشم قالی بافی دور گوی را به چهار قسم

مساوی قسمت می کنند و (به صورت چهار قاچ)

و اگر گوی بزرگتر باشد به هشت یا دوازده قاچ

لحف دوزی و نخ مناسب به رنگ های قرمز،

زرد، سبز و ینتش استفاده می کنند. برای یافتن هر چهار گره دندون موشی و برای زمینه اصلی بین دو قاچ گوک دندون موشی عمیق زده می شود.

و به نوار های پارچه ای گوی داخل می شود.

روش بازی

این بازی نمایانگر قدرت گوی زن و نیز قدرت گیرنده گوی است.

گروه ها تعداد و سن مشخصی ندارد. در اوایل نوروز گروه زیادی جوانان و مردان میانسال و کهنه سال نیز بازی می کنند.

معمولایک نفر را انتخاب می کنند که بالای زمین و مواقف با چهت باد ببرود، بقیه افراد در پایین زمین می مانند، افراد در قسمت پایین بدون نظم و ترتیب قرار می گیرند تا برای این پراکنده می شوند.

فردی که بالا هست کار خود را بازدن «چفته» زیر (گو) به صورت عمودی یا کمانی آغاز می کند.

هر کس بتواند گوی زده شده را بدون برخورد با مانعی یک دستی یا دو دستی پیگیرد بالا می

رود و پرتاب خود را آغاز می کند. گاهی «چفته ز» از تعداد چفته هایی که زیر گویی زند چند تایی از آن زیر گونمی خورد در صورتی که هر بازیکن سه مرتبه پشت سر هم زیر توپ نزند باید

به مرحله پایانی کار که می رسید با زمین زدن پرسش آن را متحان می کردند و چندین مرتبه آن را بزمین می زندند تا میزان بالا رفتن آن مشخص شود.

اگر حدود دو یا سه متر بالا رفت خوب پیچیده شده اما اگر کم بالا می رفت (حدود

ایمده مطلب را در شماره های آینده بی پیغیرید

جامعه امروز زرتشیان به عنوان یکی از کهن ترین جوامع ایرانی که میراث دار فرهنگ و تمدنی اهورایی است، نقاط قوت و ضعف زیادی دارد. که هر کدام می تواند باعث پیشرفت یا پسزد است.

ما زرتشیان پیش از هر چیز باید جامعه خود را به خوبی بشناسیم تا بتوانیم از نقاط قوت بیشترین بهره ها را ببریم و از رنگ شدن نقاط ضعف جلوگیری کنیم.

همایش رستار که در کلام به معنی نجات یافته، رستگار و آگاهی یافته است، تلاش می کند تا با هم اندیشه پژوهشگران و علاقه مندان به پیشرفت جامعه زرتشی گامهایی هر چند کوتاه در راستای شناخت جامعه زرتشی و ارائه راهکارهای عملی برای پیشرفت آن بردارد.

در نخستین گام برگزار کنندگان همایش از همه پژوهشگران اجتماعی، افراد با تجربه در کارهای جماعتی و علاقه مندان به پیشرفت جامعه زرتشی دعوت می کند تا نوشتارهای خود را در رابطه با موضوع زیر به نگارش در آورند:

موضوع همایش: ویژگی های جامعه آرمانی زرتشیان ایران از نگاه شما چیست؟

فصله ابعاد مختلف جامعه امروز زرتشی با جامعه آرمانی چه قدر است؟

همکیان علاقه مند برای نگارش مقاله تا ۲۵ دی ماه فرست دارند که نوشتارهای خود را در قالب فایل Word همراه با مشخصات کامل خود به نشانی الکترونیک berasad@gmail.com ارسال نمایند.

گفتنی است نخستین همایش رستار، بنامگانه روانشاد رامین شهرت، روز پنجم شنبه ۷ بهمن ماه در شهر بزد برگزار خواهد شد.

بازی ها و ورزش های بومی، سنتی و محلی ایران زمین

هر بازی محلی دنیایی از باورهای فرهنگی یک قوم و یک محل را در دل خود به امانت دارد، بنابراین با فراموشی هر یک از این بازی های باخشنی از خاطره نیا کان ما از بین می رود اکنون بیشتر بازی ها و سرگرمی ها زنگ تازه ای پیدا کرده است به گونه ای که دیگر کمتر می شود در آن ها از فرهنگ بومی نشانی یافت.

ورزش ها و بازی های بومی و محلی و سنتی مانند (گوی و چفته) در زید که یکی از ورزش های تیمی پر تحرک و جالب میدانی است که در شهرهای مختلف کشورمان به نامهای دیگری خوانده می شود) برای رسیدن به این هدف نمونه های خوبی هستند. این گونه ورزش ها سبب گسترش فرهنگ و ذوق و هنر جامعه ما می شود و با آن هایی توان پیام راستی، سلامتی و شادمانی را به دور ترین نقاط جهان فرستاد و به عنوان ورزش بازی های ملی و میهنی برای کشورمان ایران به ثبت رساند.

گوی و چفته

در این بازی از یک توپ کوچک دست ساز پارچه ای یا پشمی و یا لاستیکی به اندازه توپ تیزیس و یک چوب خراطی شده به طول ۹۰ تا ۲۰ متری مت و قطر ۵ تا ۶ سانتیمتر و زمینی به اندازه ۲۰ متر در ۳۰ متر استفاده می شود. افراد به دو گروه مساوی که سن در آن مطرح نیست تقسیم می شوند. این بازی های ملی و ورزش در شهرهای مختلف ایران با نام های متفاوت انجام می شود مانند:

گوی و چفته در زید - گویازی (چو گود کرمان) - دار تویا یا تویی دار در هرمزگان - چو گر در کهکیلویه و بویر احمد - توپ قارین در کردهستان - گل شد در بوشهر - گوی راه در خراسان - توپ قال در کرمانشاه و در فدراسیون ورزش ها و بازی های همگانی چو گو نامیده می شود. در خارج از کشور نیز به نام کریکت یا بیسبال شناخته می شود.

بازی گوی و چفته در زمین های پشت

گهنه خارخانه واقع در محله دستوران بزد در دوران گذشته در محله دستوران بزد سه هفته پیش از نوروز جنبش و نشاطی بین دانش آموزان مدرسه مارکار در می گرفت و مغازه های خراطی برای ساختن آسیاب بازی های چوی مانند چفته در خود رونق می گرفت ... خراط ها صدها چفته از کوچک تا بزرگ درست می کردند و با خراطی زیبا هر هفت قسمت آن هارانگ آمیزی می کردند. گاهی در این دکان ها گوی لاستیکی یا پارچه ای هم فروخته می شد.

اما اغلب خود بچه ها گوی را درست می کردند و لاستیک دوچرخه یا پارچه های مندرس و کهنه را باریک باریک و به صورت نوچه ای هم فروخته می شد.

و لاستیک دوچرخه یا پارچه های مندرس و کهنه را باریک باریک و به صورت نوچه ای هم فروخته می شد.

اما اغلب خود بچه ها گوی را درست می کردند و لاستیک دوچرخه یا پارچه های مندرس و کهنه را باریک باریک و به صورت نوچه ای هم فروخته می شد.

و لاستیک دوچرخه یا پارچه های مندرس و کهنه را باریک باریک و به صورت نوچه ای هم فروخته می شد.

و لاستیک دوچرخه یا پارچه های مندرس و کهنه را باریک باریک و به صورت نوچه ای هم فروخته می شد.

ازین نوچه دوچرخه دوچرخه ای هم فروخته می شد.

بین بین زنگون یکی می گشت و این بین زنگون یکی می گشت.

برای این زنگون یکی می گشت و این بین زنگون یکی می گشت.

برای این زنگون یکی می گشت و این بین زنگون یکی می گشت.

برای این زنگون یکی می گشت و این بین زنگون یکی می گشت.

برای این زنگون یکی می گشت و این بین زنگون یکی می گشت.

فراخوان مقاله در نخستین همایش رستار



پاداش اهورامزدا

موبید پدرام سرووش پور

اشوزر شست در روز خورداد از ماه فروردین در خانواده ای نیک دیده به جهان گشود. در سنت زرتشتی نخستین نگاه همراه با خنده او را به زندگی، نوید بخش پیامبری او دانسته اند. دوران کودکی را با خطوط و دشمنی های زیاد ولی به پرسش و آموزش به جوانی رسانید و سپس ۱۳۱۰ سال اندیشیدن پیشه نمود.

به باری و هومون (ظاهر اندیشه پاک) به ذات یکتای اهورامزدا دست یافت و اینگونه بود که اورمزد پاک در پاسخ به درخواست روان آفرینش اورا به پیامبری برگردید «یکانه کسی که به آموزش های الهی گوش فراداد و من اورا خوب می شناسم همان اشوزر شست اسپیتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آئین راستی و سروهای سیاستی مزداست، بنابراین به او شیوه‌ی بیان خواهیم بخشید» هات بند ۲۹.

اشوزر شست خود را نخستین آموزگار بشری خواند (هات بند ۴۶) و با تکیه بر اندیشه والای خود سرودهایی برای جهانیان به ارمغان آورد که پیش از این کسی نسروده بود. (هات بند ۲۸) و اهورامزدا نیز به او نیروی معنوی و توانایی بخشید تا آغازگر راهی باشد که آن راه و آئین اشویی نامید.

این آغازگر زندگی پریار و سرشار از مبارزه پیامبر با سلاح نیکی ها بر علیه دروغ و دور غکاران بود. حتی زمانی که پیامبر از فشار دروغکاران به سنته آمده و به درگاه اهورامزدا پناه می برد «به کدام سرزمین روی آورم؟ به کجا رفته پناه جویم؟ ای هستی بخش چگونه خواهم توانست با انجام ماموریت ترا خشنود سازم؟» (هات بند ۱) یک قدم از آرمان خویش عقب نمی شنید «ای مزدا کسی که با تمام نیرو و وجودش برعلیه هوای خواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرینش را به راه خرد و دانش حقیقی رهبری خواهد کرد» (هات بند ۴۶).

اینچنین است که نیاکان ما بر آن می شوند با سرلوحه قرار دادن آموزش های پایه ای اشوزر شست به نام او، راه و آموزش های اورا ادامه داده و جامعه زرتشتی شکل بگیرد.

- باور به اهورامزدا - خدای یکتا و بی همتا

- باور به پیامبری اشوزر شست

- باور به قانون اشا (راستی، پاکی و هنجار هستی)

- باور به سپتامینو و انگره مینو و اختیار انسان در گزنشیں بین این دو

- باور به امشاسبیندان یا هفت پایه عرفان زرتشتی - باور به فلسفه دگرخواهی و دستگیری از نیازمندان

- باور به برآبری تمام انسانها

- باور به فرشکرد یا تازه گردانیدن جهان

- باور به جاودانگی روان و جهان مینو «همه خواسته های اشوزر شست اسپیتمان به بهترین

وجهی برآورده شده و اهورامزدا او را از بهترین

بخشایش برخوردار ساخته است بدین معنی که یک زندگانی خرم و نیک و سراپا پارساپی برای

همیشه به او عنایت فرموده و حتی کسانیکه با او دشمنی می وزیدند آموخته اند که به او احترام گذاشند و در گفتار و کردار از آئین بھی پیروی کنند». (هات بند ۱)

شاید این آخرین آموزه اشوزر شست یعنی امید و سرانجام نیک به ما زرتشتیان این توانایی را داد تا با تکیه بر غیرت و پایداری، این پیام اهورایی را در سخت ترین شرایط پاسداری

کرده و امروزه شاهد آن مستیم حتی کسانی که با زرتشت دشمنی می وزیدند از او به

نیکی یاد کرده و مهمتر از همه آموزش های پیامبر را از زبان دیگران بشنویم این یعنی همراه شدن نیکان جهان به اندیشه و گفتار و

کردار با حکمت نخستین گاهانی.

«ولفگانگ لتس» در نوشتاری با عنوان «کارکردهای اجتماعی میثرا ایران باستان» (درج شده در کتاب «مهر در ایران و هند باستان» به ویراستاری دکتر باک عالیخانی) می نویسد:

«به لحاظ ریشه شناختی، گفته شده است که بین میثرا ایرانی باستان با مهر فارسی نو (به معنی عشق، رحمت) صرفاً اشتراک لفظی وجود دارد (یا لاقل نسبتی وجود دارد که تا کون معلوم نشده است) این دو مسلمان دو واژه جداگانه هستند، با این حال شکی نیست که نسبتی میان این دو موجود است. واژه مهر البته در فارسی میانه خورشید باقی مانده است»

این نکته اندیشیدنی است که هرچند ما با هندیان

از یک اصل وریشه ایم ولی چنانکه تاریخ ششان داده قرار نیست دارای فرهنگ و باور و اعتقادی یکسان باشیم برای نمونه دنه های (دیوان) در نزد آراییان هندی ایزدان نیکی و روشنی اندولی نزد

نیا کان ما مظهر بدی و فریب قلمداد شده اند و یا

اسوره (اهورا) سرچشم نیکی است نزد ما و در

پیش هندیان سرچشم بدی.

در دیگر باورهای نیز تقاوتهای آشکاری بین این

دو دیده می شود و اینگونه نیست که اگر آنها

میتارابه معنای دوستی بگیرند ما هم استناد کرده

این گونه بیکاریم.

اگر مهر امروزه در ادبیات فارسی در معنای

دوستی و محبت کاربرد دارد دلیل منطقی بر

تلقی مهرگان که اصل و ریشه ای دیگر دارد

برای روز عشق و دوستی نیست واژگان زیادی

داریم که در گذشته معنا و بار معنایی دیگری

داشته و امروز در معنای عکس و یا بار معنایی

بازگونه کاربرد یافته است.

متن اصیل و روشن مهر یشت در شرح

کارکرد ایزد مهر نیز شخصیت مهر در آینه

مهر، نمونه زنده برگاری جشن مهرگان

اصیل (میترا کانا و باز آفرینی فربانی توسط

مهر) در روتاهازی همگون در کتاب دین مهر در جهان

ثاقب فربه فارسی برگردان شده، می نویسد:

«تیمه» با ترجمه میترا (مهر) در ریک ودا به

دوستی «مخالفت کرد مفاهیم آشنا» و «تواافق»

بیشتر از واژه «دوستی» بر مفهوم «پیمان» دلالت

دارند.

«تیمه» در کتاب میترا و آریامن خود (۱۹۵۷)

و دوستی نمی گذارد و مهمتر اینکه اگر به

گاهان اشوزر شست مراجعت کنیم، خواهیم

دید که ایشان تنها یکبار واژه مهر را در یستای

۴۶ بند ۵ به کاربرده اند که بر اساس پژوهش

و برگردان استاد پورادود (کتاب یادداشتاهی

گات ما چاپ ۱۳۸۱ صفحه ۲۷۹) مهر در

گاهان به معنی پیمان و پیوند (عهد و قرار)

است و استاد پورادود در همین صفحه

یادآور شده اند که مهر در دیگر بخشها

اوستا نیز بدین معنا کاربرد دارد.

داریوش بزرگ نیز در سنگ نوشته ییستون واژه

«آمه» (پیمان) را از این معنای نشان داد

در نظر گرفتن اشتقاق معنای نام او از «پیمان»

در نظر گرفتی خواهند بود و بدین ترتیب نظر او

قابل تکمیل و تعمیق طرح اولیه است.

او در مقاله اش با عنوان نفهوم میترا در باور

آریایی (۱۹۵۷) دقیق ترین و مفصل ترین دفاع از

نظریه «پیمان» را ارائه شده است آنکه

در واقع تکمیل و تعمیق طرح اولیه است.

داریوش بزرگ نیز در سنگ نوشته ییستون واژه

«آمه» (پیمان) را از این معنای نشان داد

در نظر گرفتی خواهند بود و بدین ترتیب نظر او

قابل تکمیل و تعمیق طرح اولیه است.

اما گوشیج گه که نظریه قرارداد را تایید می

کند [مهر = قرارداد] میترا و دیگری به معنای

دوست را واژه ای تصادفی، هم شکل و هم آوا

با نام ایزد می دارد.

مهر و مهرگان از

نگاهی دیگر

مهرداد قد DAN

اطلاقی می شود خورشیدنیا شد هم بدن مهر نیاش

سرا یش نمی شود (به فربانی گاو می پردازد که

بر اساس باور مهریان جیان گاو و خوراندن آن به مردمان

آید سپس مهر به آسمان می رود ولی قرار است

در پایان جهان برگرد و باز نیز با فربانی گاوی و

تله آشامی از این گاو و خوراندن آن به مردمان

در جاودانگی آنان بکوشد و این فربانی های مهر

وجهه و تمايزه و از مهر در اوستا میتر (miθra) به سانسکریت

میتر (mitra) و در پهلوی میتر (mitr) آمد است که آن را از ریشه

may یا به معنای پیمان بستن و قرار

گذاشت و نیز از همین ریشه به معنی سنجیدن و

اندازه گرفتن می گیرند و هر کدام از معانی بالا

که برای این ریشه در نظر گرفته شود با کار کرد

مهر، نیک هم خوانی دارد.

خوشکاری نگاهی ایزد مهر از پیمان و کیفر

مهر در جهان (پیمان شکنان) به روشنی در

مهریشت دریافتی است و در متون پهلوی نیز

این خوشکاری ایزد مهر بر جسته است آنکه

که مهر مواظب شدید از پیمان نه هزار ساله

هرمز و اهریمن دارد و حتی برای وارد یامدن

کوچکترین خشکش برخواهد که ایزد

چنگاور برخلاف دیگر ایزدان خسته است آنکه

منفی پیدا می کند (بند ۲۹ مهریشت) چون

هرگز راضی نمی شود پیروان راستی بیش اندازه

دومین گنگره بین المللی مهرشناسی که با دیگر

مقرب در جهه نیکی برعلیه پیشروی و پیش

از زمان موعود هرمن و پیروانش را از هستی

براندازند او مواظب شدید دارد که هرگز

هرگز راضی نمی شود پیشروی و طرفین موظف به

اجرای پیمان باشند این خوشکاری مهر در

مهریشت (بند ۲) نیز سفارش شده که هرگز

نباید پیمان را شکست حتی اگر با دروند و

پیرو اهریمن سته شده باشد.

از خوشکاری سنجش و سنجندگی،

داوری و میانجی گری ایزد مهر در ادبیات

دینی به فراوانی سخن به میان آمده است،

حضور مهر به همراه ایزدان سروش و رشن بر

سر پل مینوی چیزند برای سنجش بدی و خوبی

آدمیان در زندگی گیتیابی و میانجیگری و

داوریشان برای برقانی دادگری شوند آن

شده که بر سرخوان مهرگانی جشن مهرگان

ترازویی برای یادآوری این خوشکاری اساسی

ایزد مهر قرار داده شود این سنجش و میانجی

گری ایزد مهر تا بدانجاست که در گاه شماری

ایرانی در میانه ماه (روز شانزدهم) و در میانه

سال (ماه هفتم) در نیمه و سرآغاز نیمه دوم

و سال، مهر بلند پایه جای می گیرد.

مهر در آین مهری با پدیداری اش از صخره

و سنجگ که تمثیل از آسمان است و پس از

کشته اساطیری با خورشید و می پیمان شدن شان

(که هنوز به پاس این هم پیمانی شیر و خورشید با

هم هستند). «شیر نماد مهر است» نیز به خورشید، مهر

۱- pāshm še tu klā naħa (۲)

۲- پشم توی کلاهش نیست [و کلاهش گرمی

ندارد]؛ (برای پدر و مادر و آموزگاری به کار

می رود که به اصطلاح زهر چشم ندارد).

۳- dāštom vi mnak on-

۴- دستم بی نمک است؛ (یعنی هر خدمتی انجام

می دهم، به چشم نمی آید).

۵- zur o zari nadara-

۶- زور و زری ندارد؛ (یعنی نه قدرت دارد و نه

بول، یعنی حرفش پیش نمی رود و برش ندارد).

۷- pa de tu hasot košt-

۸- پایت را توی خاکستر زدی [و خرابکاری

کردی]؛ (معمولًا برای بچه های به کار می رود،

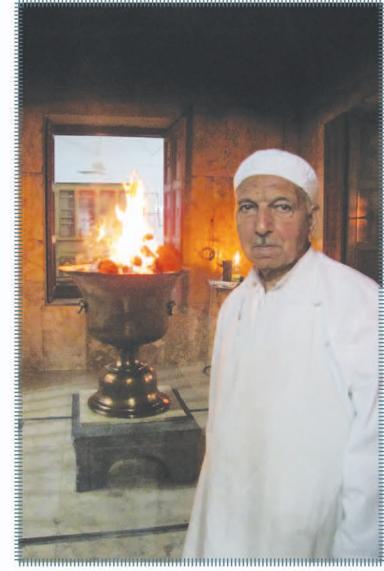
وقتی بر اثر اشتباه و شیطنت، کاری را خراب

می کنند).

گپی با نگهدارنده قدیمی ترین آتش فروزان گیتی

رشید شهرت

کمی تا بر آمدن خورشید در یک روز پاییزی باقی مانده است که به در آتشکده یزد می‌رسیم، از باز بودن در متوجه می‌شویم که تاخیر داشته‌ایم، با عجله خود را به داخل می‌رسانیم در راه روی آتشکده، آقا «فرخ» را می‌بینیم پیر مرد ۷۵ ساله‌ای که ۲۰ سال است هر روز پیش از طلوع خورشید راهی آتشکده یزد می‌شود، از دیدن او در راه روی متوجه می‌شویم که زیاد دیر نرسیدیم و بعد از احوال پرسی وارد قلار آتشکده می‌شویم، آقا فرخ لباس سپیدی به تن دارد، وارد اتاق آتش می‌شود مانیز به نظاره او می‌نشینیم و عکس می‌گیریم، در حالی که اوستارا زیبر لب زمزمه می‌کند، به سراغ آتش می‌کند، به تن دارد، و حوصله تمام خاکسترها را کنار می‌زند تا قرمزی زغال‌های آتش کم کم مشخص شود، بعد از اینکه زغال‌های آتش می‌زند آتش آورد. از افق آتش خارج می‌شود، در ابتدا به نوکردن کشته می‌پردازد و بعد از نیایش در درگاه خداوند، از انبار چوب که در کنار قلار آتشکده قرار دارد، کنده‌ی چوبی می‌آورد و بر روی آتش می‌گذارد، در همین حال خواندن اوستارا قطع نمی‌کند و جالب است که کنده خبلی زود آتش می‌گیرد، یکی دو بار دیگر نیز می‌رود و کنده‌های بزرگ و کوچک دیگری را می‌آورد و در این بین دو بار نیز زنگ داخل اتاق آتش را به صدا در می‌آورد، بعد از شعله ور نمودن آتش آتشکده یزد، به پیش‌ما می‌آید تا پاسخ‌گویی پرسش‌های ما باشد، فرخ جمشیدی آتشکده یزد، نگهدارنده قدیمی ترین آتش گیتی، پاسخ‌گویی پرسش‌های ماست:



از جایگاه آتش در دین ذرتستی

بگویید؟

آتش را منور خداوند و مظہر پاکی و راستی می‌دانیم و از آن نگه داری می‌کنیم تا نور خداوندی در میان ما باشد. پرسشنامه سو ما یاقب‌های ما نور یا آتش است به این دلیل که آتش یا نور هیچ گونه پلیدی به خود راه نمی‌دهد، مانیز در اندیشه مان باید اینگونه باشیم و هیچ گونه پلیدی به خود راه ندهیم تا به مرحله راستی و پاکی اهورایی برسیم، آتش حرارتیش به اطراف خود پخش می‌کند، یعنی هر فردی باید با دیگران با مهربانی و دوستی برخورد کند و گرمی اش به اختیار بشر آتش شعله اش به سوی بالا است یعنی ما باید همیشه با راستی و درستی به سوی پیشرفت و ترقی حرکت کنیم. آتش کارش این است که هر گونه پلیدی و نایاکی را سوزاند و از بین برد و به پاکی تبدیل کند یعنی بر هر گونه فکر بد و اندیشه بد دوری کند تا به مرحله راستی و پاکی برسد. البته در ظاهر این که می‌گوییم چیزی نیست ولی در حقیقت اگر این کار را انجام دهی و به آن درجه راستی و پاکی برسی خیلی مهم است، من یک کتاب هم نوشتم و همه چیز را شرح داده ام که به امید خدا بتوان روزی آن را منتشر نمود.

● آیا آتشبندی تاثیر خاصی بر روی زندگی شما داشته است؟

حدود دو یا سه سال بود که این مسئولیت را پذیرفت بودم، دستور رستم مهرگان به من گفت چون از آتش نگه داری می‌کنی خیر و برکت خاصی در زندگی ات خواهد بود، اول باورم نشد، اما کم کم دیدم و متوجه شدم، البته اتفاقات زمانی و پیشامدها را باید بر عهده آتش و یا هر چیز دیگر گذاشت.

● آیا نیایش‌هایی که در هنگام خوراک دادن به آتش می‌خوانید، تاثیری بر روی آتش دارد؟

بله، وقتی اوستا می‌خوانی، آتش زودتر شعله ور می‌شود، اگر ترجمه آتش نیایش را بخوانید متوجه می‌شود که از درگاه خداوندی خواهیم تا آتش بین خانواده و محله ما باقی بماند.

● کنده‌هایی که به آتش می‌دهید از نوع خاصی است؟

بیشتر سعی می‌شود کنده‌های زرد‌آلی یا بادام باشد، چون محکم هستند و دود نمی‌کنند، این آتش تقریباً روزی ۲۰ تا ۲۵ کیلو کنده مصرف می‌کند البته در زمستان چون هم روز کوتاه‌تر است و هم مانند تابستان آتش شعله ور نمی‌شود، مصرف کمتر است.

● نظر شما در مورد آتش گازی چیست؟

هر چیزی ریشه دارد این آتش وقی می‌سوزد تهش کمی آتش باقی می‌ماند ولی آتش گازی به یک کلید بستگی دارد و ریشه ای ندارد.

این مورد هم توضیح می‌دهید؟

بیینید اگر به این آتش خوراک ندهی، به موقع به آن سرزنشی، یا با تن نایاک به پیش آتش بروی، خود به خود و قیچی چیزی ندارد و کم محلی و بی حرمتی به آن گذاشته ای از اینجا بیرون می‌رود، این فره اهورایی که دارد این آتش را نگه می‌دارد، آتش را به بیرون می‌برد، همچنان که در بر ساد می‌خوانیم، امشاپسندان و ایزدان نگهدارنده آتش هستند، اردبیهشت بلند و آدر و سروش و ورهام، این ۴ امشاپسند از سوی اهورامزدا ماموریت دارند تا نگهدارنده روشناشی جهان باشند، یعنی ماه، خورشید، ستارگان و آتش که در خود راه ندهیم تا به مرحله راستی و پاکی اهورایی برسیم، آتش از آن مراقبت می‌کنیم، کنده اش می‌دهیم و احترامش را نگاه می‌داریم، حال اگر به آتش ترسند، امشاپسندانی که نگهدار آتش است ناخشود می‌شود، در نتیجه در درختی یا چیزی می‌نشینند، اغلب در درختهای خشک می‌نشینند، کم کم دود می‌کند و می‌سوزد و وقتی می‌فهمند آن را بر می‌گردانند.

● در اینجا هم چنین اتفاقاتی افتاده است؟

چیزی که من خودم اینجا دیده ام، این بود که یکی از روزها وقتی به انبار چوب رفته بودم تا کنده بیاورم، حواس نبوده و مارمولکی زیر پایی من له شده بود، وقتی کنده را روی آتش گذاشت، دیدم همه جارا دود گرفت و هیچ جور هم این دود بیرون نمی‌رود، با خودم گفتم خدایا چی شده، چرا این دود بیرون نمی‌رود؟

خلاصه وقتی به انبار چوب رفتم، این دود همراه من آمد، انگار همانند آدم عمل می‌کرد و بازیانه اش محلی که مارمولک ازین رفته بود را به من نشان داد.

● تفاوت این آتش با آتش معمولی چیست؟

همه آشها حرمت دارند و همه آنها مورد حمایت نیروی امشاپسندان و ایزدان هستند، وقتی روشناشی در یک جا متمن کر می‌شود، سبب می‌شود تا نیروی ایزدان و امشاپسندان در آن جای شمع شوند و مرکزیت پیدامی کنند. این آتشکده هم به همین صورت است، البته ما فقط به آتش خوراک می‌دهیم و نور و نگهداری اصل آن بر عهده آنها است، البته عزت و حرمت هم می‌خواهد و بی‌احترازی از مانعی خواهد.

● ترین آشها است و حتی از آتش آتشکده اوداده هم قدیمی تراست.

البته آتش آتشکده یزد، مقدس ترین و قدیمی شنونیم که می‌گویند آتش فرار کرد در

آتش را بالامی آورم، و یک طرف جمع می‌کنم، بعد یکی دو تا کنده می‌گذارم تا شعله ور شود،

بعد از پایان این کار و نوکردن کشته آتش نیایش را می‌خوانم، در کلمه «ستچه» بار زنگ را به صدا در می‌آورم به نشانه ۹ اعضاً بدن که متوجه اهورامزدا باشند، بعد در کلمه «اویس موبی» ۱۲ بار زنگ می‌زنم یعنی عرض ۱۲ ماه سال، همچنین در سر کلاس و حتی در همین آتشکده نیز کلاس دینی داشتم. البته آن زمان درس دینی رسمی نبود، یادم می‌آید که وقتی برای نخستین بار در خواست کردم که می‌خواهم کلاس دینی برگزار کنم، ارباب مهربان زرشتشی پیش آمد و گفت باید اوستا باشد از کتاب استاد رشید شهمردان به شاگردان بیاموزی، و نواری را برایم فرستاد تا از روی آن بیاموزم و به همین شیوه به پچه‌ها بیاموزم.

● تا به حال شده که خواب بمانید و دیر بوسید؟

بسیار کم این اتفاق افتاده، من معمولاً ساعت ۴ صبح بیدار می‌شوم، قبل از آمدن به اینجا چای می‌خورم، اوستا و نیایش را در خانه به جای می‌آورم و اسپندی دود می‌کنم، بعد تازه راهی آتشکده می‌شوم.

● چرا کسی ناید به افق آتش برود؟

ممکن است تنش نایاک باشد و امشاپسندان و ایزدان او را قبول نکنند، ضریبه می‌بینند. ضریبه اش این است که ممکن است بزرگ‌زنی در خداش استاد خدابخش یزدانی بود، اما استاد خدابخش به واسطه دوری سافت تنوانت بیش از یک سال این کار را انجام دهد، در ادامه به درخواست آقای فروزفر، رئیس وقت انجمن بیزد و روانشاد استاد خدابخش این مسئولیت را از سال ۱۳۷۰ به عهده گرفتم.

● آخرين باري که مرخصي رفند کي بود؟

آخرین بار در شهر بور ماه سال ۸۸ بود، کلام من در این ۲۰ سال خیلی کم به مرخصی رفته ام، سالهای اول کاریان فارس و در نزدیکی های تخت گشید بود، اما استاد خدابخش یزدانی بود، اما در شکفت بیان برده می‌شود در نزدیکی پیر بانو، من به این غار نرفته ام ولی برخی که رفته‌اند برایم گفته اند که هنوز آفرینگان سنگی آن وجود دارد، بعد آن را به ترک آباد اردکان بزد می‌برند، ترک آباد محلی بوده که دستور پروش می‌داده، بعدها آن را به محله بزد می‌آورند و در کنار خانه موبید آذر گشگر نگهداری کرده اند که هنوز هم آفرینگانی و آثار آن موجود است.

● از اعضای خانواده شما هیچ کدام آشبند بوده اند؟

خیر، ولی از زیارتگاه های نگهداری کرده اند، پدر بزرگم در مزرعه کلاتر خود سازنده یکی از زیارتگاه های این روستا بوده است. البته من نوحه آشبندی را از آقای فرخانی آموخت که هم اکنون هم در آتشکده یزدانی حضور دارد و برای گردشگران توضیح می‌دهد. برخی چیزها را هم تغییر داده ام، مثلاً سعی می‌کنم قبیل از اینکه کنده را بر روبرو آتش کنم تا مانع از روشن شدن آتش نشود.

● روزی چند باور به آتش سر می‌زندید؟

روزی ۵ بار سر کشی می‌کنم، بیش از سپیده دم، ساعت ۸ صبح، ساعت ۱۰، ساعت ۲ بعدازظهر، هر بار یک یا دو کنده بر روبرو آتش می‌گذارم و در نهایت همزمان با غروب خورشید می‌آیم و آتش را می‌خواهیم آتش را هم خوده دم، بدین ترتیب که کنده را کنده را بر روبرو آتش کنم تا مانع از روشن شدن آتش نشود.

● در مورد نحوه خوراک دادن به آش استفاده می‌کنم.

● از خود تان بگویید؟

متولد سال ۱۳۱۴ روستای مزرعه کلاتر هستم، تا سن ۱۷ سالگی در این روستا زندگی کردم و از سال ۱۳۳۸ آموزگار شدم. در مدرسه دینباری و مارکار تدریس کردم، از همان سال های نخست سعی کردم به داشت آموزان اوستا و مطالب دینی را یاد بدهم، سر صفحه به پچه‌ها اوستا یاد می‌دادم، همچنین در سر کلاس و حتی در همین آتشکده نیز کلاس دینی داشتم. البته آن زمان درس دینی رسمی نبود، یادم می‌آید که وقتی برای نخستین بار در خواست کردم که می‌خواهم کلاس دینی برگزار کنم، ارباب مهربان زرشتشی پیش آمد و گفت باید اوستا باشد از کتاب استاد رشید شهمردان به شاگردان بیاموزی، و نواری را برایم فرستاد تا از روی آن بیاموزم و به همین شیوه به پچه‌ها بیاموزم.

● چه شد که آشبند شدید؟

با درگذشت دستور مهربان که مسئولیت آشبندی، آتشکده بزد را بر عهده داشت، یک سالی مسئولیت آشبندی برگزاری آشبندی بر عهده روانشاد استاد خدابخش یزدانی بود، اما استاد خدابخش به واسطه دوری سافت تنوانت بیش از یک سال این کار را انجام دهد، در ادامه به درخواست آقای فروزفر، رئیس وقت انجمن بیزد و روانشاد استاد خدابخش این مسئولیت را از سال ۱۳۷۰ به عهده گرفتم.

● آخرين باري که مرخصي رفند کي بود؟

آخرین بار در شهر بور ماه سال ۸۸ بود، کلام من در این ۲۰ سال خیلی کم به مرخصی رفته ام، سالهای اول کاریان فارس و در نزدیکی آین سالگرد پدر و مادرم به روستای مزرعه کلاتر تغیر داده ام، شکفت بیان برده می‌شود در نزدیکی پیر بانو، من به این غار نرفته ام ولی برخی که رفته‌اند برایم گفته اند که هنوز هم آفرینگان سنگی آن وجود دارد، ترک آباد محلی بوده که دستور پروش می‌داده، بعدها آن را به محله بزد می‌آورند و در کنار خانه موبید آذر گشگر نگهداری کرده اند که هنوز هم آفرینگانی و آثار آن موجود است. آخرين باري که مرخصي رفند کي بود؟

● از اعضای خانواده شما هیچ کدام آشبند بوده اند؟

خیر، ولی از زیارتگاه های نگهداری کرده اند، پدر بزرگم در مزرعه کلاتر خود سازنده یکی از زیارتگاه های این روستا بوده است. البته من نوحه آشبندی را از آقای فرخانی آموخت که هم اکنون هم در آتشکده یزدانی حضور دارد و برای گردشگران توضیح می‌دهد. برخی چیزها را هم تغییر داده ام، مثلاً سعی می‌کنم قبیل از اینکه کنده را بر روبرو آتش کنم تا مانع از روشن شدن آتش نشود.

● روزی چند باور به آتش سر می‌زندید؟

ساعت ۸ صبح، ساعت ۱۰، ساعت ۲ بعدازظهر، هر بار یک یا دو کنده بر روبرو آتش می‌گذارم و در نهایت همزمان با غروب خورشید می‌آیم و آتش را می‌خواهیم آتش را هم خوده دم، بدین ترتیب که کنده را کنده را بر روبرو آتش کنم تا مانع از روشن شدن آتش نشود.

● در مورد نحوه خوراک دادن به آش استفاده می‌کنم.

آش برایمان توضیح می‌دهید؟

اول خاکستر را از آتش را کنار می‌زنم بعد از این کار می‌گذارم و از آن بچشم بینم که آش که خود را می‌گذارم از همین خاکستر می‌گذرد و بماند.

از جوی آب روان که در اکثر محلات یزد
جاری بود و آب را به دور دست ها می
برد، در ده های سی و چهل استفاده زیادی
می شد. در بعضی جاهای برای رسیدن به این
آب روان، محوطه وسیعی راخاک برداری
می کردند تا بتوانند با غی کوچک در کنار
آب به وجود آورند و با کاشت چند درخت
نارنج و با آجر و سنگ فرش برای تابستان
محیط دلپذیری فراهم می شد.

نمونه آن را می توان در دربمehr کوچک دید. یا اگر به موزه اب یزد سری بزینید نمونه سر پوشیده آنرا در زیرزمین و سردابه می توان مشاهده کرد. در بعضی از خانه های اربابی شهر یزد که خانه ها وسعت زیادی داشته اند، اگر چه به صورت مخروبه، هنوز آثاری از آن نارنجستان ها موجود است.

در نقاطی که خانه روی قنات ساخته می شد و از سطح زمین تا آب روان فاصله کمی وجود داشت، با خرچاه و نصب چرخ و چاه، از آب استفاده می کردند. ولی اگر می خواستند آب را به محله انتقال دهند، از زیرزمین انشعاباتی از جوی اصلی می گرفتند و درست شیبه به کanal اصلی، البته در مقیاس کوچکتر، آب را به آن سمت هدایت می کردند. به این راه آب «ب یده» می گرفتند.

برگردیدم به شاه جوی اصلی که با پله های زیاد به آن می رسیدیم. درون محوطه که ورودی و خروجی آب در دو طرف آن کنده شده بود، اتفاقی وجود داشت به ابعاد ۴ در ۴ متر، که کمی تاریک و هم انگیز نشان می داد. اندازه این کانال ها به گونه ای بود که یک نفر می توانست با کمی جمع و جور شدن، داخل آن راه برود. مقنی ها یا افرای که قنات را لایروبی می کردند از این راه آمده اند، عمد استفاده م کردند.

اپنے بڑی مبادرت میں تحریر کی۔
در این شا جوہا رخت و لباس شستہ می شد۔
البتہ لباس ہایک کہ قبلہ در خانہ خیساندہ
بودند و روی آن اشنو (مادہ گیاہی کہ پاک
کننڈہ است) ریختہ شدہ بود۔ در جوی آب
با کنک (وسیلہ چوبی مثل کف دست)
روی لباس می زدنے و پس آب کش می
کر دند۔ از این جھٹ هر چہ آب به زمین ہائی
کشاورزی نزدیک، کشف تر می شد۔

نژدیک جوی آب، در تابستان و زمستان با
اندک تغییر، درجه حرارت ثابت بود و مردم
فرصت راغبین شمرده و وقتی جوی خلوت
بود آب تنی می کردند. یادم می آید در
محله ما مردی بود که می گفتند وسوس
دارد. چون همه روزه قبل از طلوع آفتاب به
داخل جو می رفت و خودش را می شست.

طرز شستشوی او هم به این صورت بود که در مسیر آب که کف آن با ساروج (مانند سیمان) پوشیده شده بود و لبه های آن با سنگ های پهن و سنگین، فقط روی شکم می خواهد و سر خود را لحظه ای به زیر آب فرو می برد. این آبتنی حدود دو دقیقه طول می کشید. خانمها هم با گماردن یک نگهبان بالای جوی آب چند نفری به پائین می رفتند و آبتنی مم کردند.

های ما بزرگ می شوند و دیگر همه انگیزه
شان را نمی شود مهاجرت، چه طور می خواهید تا
این بچه های کوچک امروز را برای ورزش
فردای جامعه زرتشیان ایران پرورش دهیم.
آن هایی هم که می مانند می روند دنبال کار و
زندگیشان!

اما چرا این قدر نا امیدانه حرف می زنید؟ مگر نیستند کسانی که در جامعه ماموفق آن و در تیم های باشگاهی بازی می کنند این را که گفتم شروع کرد به اسم بردن از کسانی که در تیم های مختلف به ویژه بسکتبال در گذشته های دور و نزدیک به تیم ملی دعوت شده اند و الان سر از کانادا و آمریکا و در آورده اند! خودش که می گفت» نمی دانم چرا ما خیلی از بازیکنان خوبی که در این باشگاه داشتیم هر کدام یک اتفاقی برایشان افتاد « به مردم از اینکه باشگاه فروه قبلا جام هایی مثل جام دوستی با اقلیت های مذهبی را هم برگزار کرده است اما چند سالی است که این جام تعطیل شده سخن گفت از اینکه یک زمانی با مردمان خوب این باشگاه تیم بسکتبالشان در لیگ دسته یک حضور داشته است اما الان به دلیل حذف بازی های زیرگروهی این امکان برای بازیکنان فراموش نیست و همین طور نبود بعضی از آن بازیکنان سابق! از مشکلات باشگاه چیزی نگفت فقط از حذف برخی از ورزش ها مثل کاراته ، رژیمناستیک گله داشت که البته می گفت وقتی مسالن ساخته شد این اتفاق افاده چون فضای بسیاری از ورزش ها گرفته شد اگرچه از وجود چنین زمین استانداردی در باشگاه راضی است . وی کارایی بالاتر این باشگاه را بسته به تلاش بازیکنان می داند.

یک فرست
 از باشگاه بیرون می آید در تکاپوی، شهر آدم ها
 جور دیگری هستند، به زمین وصال می اندیشم
 به تشکیل تیم های ورزشی، به نقش ورزش در
 سلامت جامعه. به یاد گفته دوستی می افتم که
 می گفت حسرت باشگاه آزادات رامی خورم.
 به راستی بعد از این همه سال، چرا ما نباید
 باشگاهی این چنین داشته باشیم، تیم هایی قوی
 و حضوری جدی در عرصه رقابت های ورزشی.
 اکنون با تلاش ها و پیگیری های بسیار، دو
 دانگک از زمین وصال برگشته است و برای بقیه
 نیز پرونده ای تشکیل شده است.
 چشم انداز اما، داشتن باشگاهی مجهز و کامل و
 البته حضور بازیکنانی قدر تمند و ورزشکار برای
 جامعه زرتشی است.

ماجرا های یک باشگاه

امید کا جیان

زرتاشتی هم غیر از باشگاه فروهر می توانند از این باشگاه استفاده کنند می گوید در صورتی که باشگاه وقت آزاد داشته باشد «بله». ولی انگار تسامی فعالیت های باشگاه فروهر منوط می شود به کسانی که برای این باشگاه فعالیت ورزشی می کنند. اهورایی اما از الله یار دبستانی نام می برد، کسی که برای بازسازی این باشگاه رحمت بسیار کشیده است.

وہر

سری به باشگاه فروهر در خیابان وصال می‌زنم،
تا هم فضارا بینیم و هم پای صحبت‌های کسی
بنشیم که به قول خودش از وقتی سازمان فروهر
تشکیل شد، او هم آنچا بوده است، گوهر
بهمردی.

پشت یهادی ورزشکاران داخل سالن آرام و بی
ادعا دیدمش! گوهر خانم نگاهی به من انداخت
و بعد با همان بخند همیشگی به من گفت «آخر
من چی کار کردم که می‌خواهی با من حرف
برزنی!».

گفت و گویا گوهر خانم بهمردی بیشتر به درد دل
شیبی است، در دل های مادری که برای جوانان
جامعه اش هزاران حرف ناگفته درسینه دارد.

بیشتر فعالیت‌هایش مثل حضور در سازمان زنان
از سال ۱۳۵۹ و پس از بازنشستگی اش از بانک
شروع شده و اینکه از سال ۱۳۶۲ در باشگاه
فروهر هم فعالیت دارد. پروانه باشگاه به نام دکتر
اهورایی و گوهر خانم است.

آن زمین ورزشی به زمین وصال و البته بخشی از
باشگاه فروهر معروف بود! یادش به خیر!

اما درست چند قدم آن طرف تر، یک محیط
ورژشی دیگری هم هست که شهرت بیشتری
دارد. باشگاه فروهر اصلی را همه به همین
مکان می‌شناسیم. باشگاهی که از سال ۱۳۶۲
تا کنون تحت نظارت سازمان فروهر (جوانان
زرتشتی) قرار دارد و در طول این سال‌ها تغییر و
تحولات زیادی هم کرده است یکی از آن‌ها
ساخت سالن ورزشی سر پوشیده این باشگاه و
باز سازی زیبای آن بود که در خوردادمه ۱۳۸۴
به پایان رسیده است. اما بحث مصادره شدن
این زمین نیز یکی دیگر از دغدغه‌های مسئولین
سازمان فروهر بوده که از سال ۱۳۷۳ مطرح شده
است اما خوشبیانه دو دانگ از شش دانگ این
زمین به تازگی به نفع سازمان فروهر برگشته و
در اختیار باشگاه قرار گرفته است.

باشگاه درمانده است یا ورزش؟

دکتر پرویز اهورایی ریس سازمان فروهر درباره تاریخچه این باشگاه می‌گوید «باشگاه وصال تعییر گاه فرزندان گیو گیو بوده است این فرزندان به نام های کیمپرسو، جمشیل، پروین و همایون در زمان زندگیان زمین را برای استفاده دی ورزشی جوانان در اختیار سازمان فروهر قرار می‌دهند تا سال ۱۳۸۱ که پروانه باشگاه فروهر از سازمان تربیت بدنی گرفته شد و در شرطه های قوتاب، بستکتاب، بدミتتون، والیبال، بیانسازی و شطرنج در اختیار جامعه زرتشتی قرار داده شده است».

صادره شدن زمین؟

اهورای در مورد مصادره شدن بخشی از زمین های فرهنگ در سال ۱۳۷۳ می گوید: «این زمین از سال ۱۳۷۳ به بعد به دلیل تشابه اسمی شادروان گیو گیو با شادروان اریاب رسم گیو تو سط بیناد مستضعفان مصادره شد که به تدریج با اراه استاد و مدارک و رجوع به دادگاه خوشبختانه دو دانگ آن آزاد شد و انشا... باقی آن نیز به زودی آزاد خواهد شد» وی در این باره از نماینده ایرانیان زرتشتی به عنوان تنها حامی سازمان در دادگاه باد می کند. اما اهورایی در پاسخ به این سوال که، در این مدت باشگاه ورزشی فرهنگ در راستای گسترش ورزش در جامعه چه کرده، می گوید: تشکیل تیم های مختلف بانوان و آقایان و فعالیت هایی که همواره در رشته هایی مثل سکتبال والیبال ... در این باشگاه وجود داشته است مهم ترین فعالیت باشگاه فرهنگ است. وی در جواب این سوال که آیا سایر تیم های

مهد کودک و مرکز پیش دبستانی سپند
با امتیاز رسمی و نظرات سازمان بهزیستی کشور

برای سال تحصیلی ۸۹-۹۰ از گروه سنی ۴ تا ۶ سال ثبت نام می‌نماید

برگزاری کلاس‌های:

گاتا خوانی ، انگلیسی ، بازیهای هدف دار ، کامپیوتر ، نمایش خلاق ، موسیقی ارف ، نقاشی ، سفال ، ایریوبیک ، حرکات مژورون ، قصه گویی .

شهریه مطابق با تعرفه دولت

ساعت کار از ۶:۳۰ تا ۵:۳۰ پسین

شماره های تماس : ۰۹۱۲۵۷۹۱۰۳۴ - ۸۸۰۰۸۹۳۹ - ۸۸۰۲۵۳۱۸

آدرس : بیزد- صفائیه- خیابان استاد احمد آرام- کوی استادان - کوچه هنر^۶
کد پستی: ۸۹۱۵۸۱۷۱۳
تلفنکس تهران: ۰۲۱-۴۴۰۴۹۱۹۸
تلفن: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۸۸۱
دورنگار: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۸۷۹
پیام نگار: ۰۹۳۵۶۲۳۸۵۳۲
صندوق پستی: ۸۹۱۹۵/۱۵۴
پست الکترونیکی: info@parsnameh.ir
پارس نامه در ویرایش نوشته ها آزاد است و همه کارهای نوشته ها دلیلگاه پارس نامه نیست.

پارس نامه

صاحب امتیاز و مدیر مستهل :

دکتر اسفندیار اختیاری

زیر نظر شورای سردبیری

صفحه آرا: شادی عبد شریف آبادی

همکاران:

